

یادداشت سیاسی اوپرنجی: نقش جنبش دانشجویی آذربایجان در سیر تکاملی حرکت ملی آذربایجان جنوبی

در تیر ۱۸، ۱۳۸۹ 405

یادداشت سیاسی اوپرنجی: نقش جنبش دانشجویی آذربایجان در سیر تکاملی حرکت ملی آذربایجان جنوبی

زمانی که صحبت از یک جنبش و حرکت مستقل با هویت خاص خود میشود در نظر گرفتن دو مسئله امری اجتناب ناپذیر می نماید. این دو مسئله را میتوان در مشخص کردن هدف و انتخاب و نحوه ی پیمودن مسیر تا رسیدن به هدف دانست. مطمئنا هر حرکت خاصی دارای هدف خاصی می باشد که مختص آن حرکت بوده و متکی بر نظرات صاحبان فکر و اندیشه و فعالان آن حرکت می باشد.

نگاهی به اهداف و سیر تکاملی حرکت ملی آذربایجان جنوبی نشانگر این است که این حرکت از دوران مشروطه تا به امروز یک جریان پیوسته و مداوم در جهت مبارزه با استبداد و سیاست های تبعیض آمیز حکومت های مرکزی می باشد ، در یک جمله می توان حرکت ملی آذربایجان جنوبی را حرکتی در جهت مبارزه با آپارتاید و استبداد مرکزی قلمداد نمود با این تفاوت که در دوران مشروطه و حوادث بعد از آن چون قیام شیخ محمد خیابانی تنها عامل استبداد مرکزی روردرروی ملت آذربایجان قرار داشت اما با سر کار آمدن رژیم پهلوی علاوه بر استبداد مرکزی ، آپارتاید و تبعیض نژادی نیز چهره ی زشت و کثیف خود را در کنار استبداد مرکزی نمایان ساخت. بنابراین از حدود ۹۰ سال پیش تا به امروز حرکت ملی آذربایجان جنوبی در مبارزه با آپارتاید و استبداد مرکزی بوده و در طول این ۹۰ سال مسیر پر فراز و نشیبی را پشت سر گذاشته است. اوج شکوفایی حرکت ملی آذربایجان جنوبی را می توان در سالهای ۱۳۲۵-۱۳۲۰ هجری شمسی دید که در نهایت به تشکیل و حیات حکومت ملی آذربایجان در سالهای ۱۳۲۴-۱۳۲۵ هجری شمسی انجامید. تسلط کامل ملت و دولت منتخب آذربایجان بر امور سیاسی ، اجتماعی ، اقتصادی ، فرهنگی و زبانی و تصویب و اجرای قوانین مترقی که تا آن روز نه در ایران و نه در بسیاری از کشورهای خاورمیانه دیده نشده بود نشان از رشد و شکوفایی فکری و فرهنگی مردم آن دوره دارد.

احداث دانشگاه تبریز در دوران حکومت ملی آذربایجان نه تنها انحصار دانشگاه تهران را در هم شکست بلکه زمینه ی پیدایش و تشکیل جنبش دانشجویی آذربایجان را نیز فراهم ساخت. از آن تاریخ به بعد دانشجویان آذربایجانی توانستند نقش سرنوشت ساز و چشمگیری در مسایل سیاسی ، اجتماعی و... آذربایجان و ایران بازی کنند. جنبش دانشجویی آذربایجان از آن دوره تا پیروزی انقلاب توانست با همکاری و همراهی سایر انقلابیون و سیاسیون و احزاب و سازمانهای مختلف انقلابی و... در یک حرکت موازی در نهایت به سرنگونی حکومت شاهنشاهی انجامیده و خواسته های به حق ملت آذربایجان را در طول ۲-۳ سال اول پس از پیروزی انقلاب از طریق نشریات و کتب مختلف به گوش مردم آذربایجان ، ایران و سایر جهانیان برساند. در طول سالهای قبل از انقلاب یک تفاوت بارز و عمده در مبارزه ی مردم آذربایجان و سایر نقاط ایران مشاهده می شد، در حالیکه در بسیاری از نقاط ایران مبارزه در جهت از بین بردن استبداد مرکزی و استعمار بود ، در آذربایجان علاوه بر این موارد، مسئله ی آپارتاید و تبعیض نژادی نیز مطرح بود یعنی اینکه مبارزه ی آذربایجانیان با رژیم شاهنشاهی مبارزه با آپارتاید و استبداد مرکزی واستعمار بود. صحت ادعای یاد شده را میتوان از سرگذشت و آثار مبارزان ، شاعران و نویسندگانی چون سهند ، علی تبریزی ، صمد بهرنگی ، بهروز دهقانی ، علیرضا نابدل ، غلامحسین ساعدی ، رضا

براهنی ، محمد علی فرزانه و... دریافت. پس از انقلاب نیز مسایلی چون حرکت آیت الله شریعتمداری که با حمایت و پشتیبانی بسیاری از آذربایجانیان همراه بود نشان از وجود یک جریان خاص با هویت خاص در آذربایجان دارد.

پس از مستحکم شدن پایه های حکومت جمهوری اسلامی به دلیل جنگ ۸ ساله ایران و عراق و وجود جو خفقان و سرکوب شدید آذربایجانیان از فاز سیاسی کمی عقب نشسته و به فاز فرهنگی و ادبی توجه بیشتری مبذول داشتند. پس از پایان جنگ ۸ ساله ی ایران و عراق ، آذربایجانیان انتظار داشتند تا حقوق به تعویق افتاده و فراموش شده ی آنان از سوی حاکمیت به مرحله ی اجرا و احقاق در آمده و لااقل آپارتاید حاکم در سالهای گذشته و رژیم پیشین از بین برود. نقش جنبش دانشجویی آذربایجان و دانشگاهیان آذربایجانی در این دوره قابل تامل و تفکر است. به جرات می توان گفت اولین قشری که پس از پایان جنگ قدم در از بین بردن آپارتاید و احقاق حقوق فراموش شده ی آذربایجان نهادد، دانشجویان آذربایجانی بودند. نگاهی به نشریه های دانشجویی و مراسمات مختلف دانشگاهی آن دوره صحت ادعای فوق را تایید می کند. در آن دوره جنبش دانشجویی آذربایجان توانسته بود تا به احیای خواسته های آذربایجان در محیط دانشگاه بپردازد و این مسایل با توجه به شرایط آن دوره ، هنوز در جامعه ی آن روز آذربایجان جز اولویت های سطوح اول محسوب نمی شد. جنبش دانشجویی آذربایجان پس از تلاشها و فعالیت های فراوان در دانشگاههای آذربایجان ، تهران و... در نهایت در ۱۹ اردیبهشت سال ۱۳۷۴ نشان داد که توانسته است در بین دانشجویان آذربایجانی مؤثر عمل کرده و مسایل مربوط به حقوق ملی آذربایجان از جمله زبان مادری و هویت مستقل را تا حد قابل قبولی جا اندازد.

۱۹ اردیبهشت سال ۱۳۷۴ نقطه عطفی در تاریخ آذربایجان و ایران محسوب می شود چرا که پس از آن آذربایجان توانست دوباره قوای احیا و تجدید شده ی خود را در راه احقاق حقوق ملی آذربایجان و مبارزه با آپارتاید و استبداد مرکزی به کار اندازد.

مهمترین و بارزترین تفاوت جنبش دانشجویی ایران با جنبش دانشجویی آذربایجان نیز از همین جا آشکار می شود. جنبش دانشجویی ایران یک حرکت ضد استبدادی است در حالی که ممکن است همان خصلت تبعیض نژادی و آپارتاید حکومت مرکزی را داشته باشد یا اینکه پذیرا باشد و آن را امری صحیح بداند حال آنکه جنبش دانشجویی آذربایجان حرکتی ضد آپارتاید و استبداد مرکزی است که اولویت کار خود را در احقاق حقوق ملی آذربایجان می داند.

جنبش دانشجویی آذربایجان در یک حرکت مداوم و پیوسته توانسته است در مدت ۱۵ سال اخیر گفتمان حرکت ملی آذربایجان جنوبی را از محیط دانشگاه به خارج دانشگاه گسترش داده و تمام جامعه ی آذربایجان و ایران را با مسایل مربوط به آذربایجان آشنا کند. به جرات میتوان گفت که در این مدت بیشترین مسئولیت ها و هزینه ها بر عهده ی دانشجویان جوان آذربایجانی بوده و آنان توانسته اند با مدیریت و سازماندهی دانشجویان داخل کشور یک جریان قدرتمند و به هم پیوسته را در راستای احقاق حقوق ملت آذربایجان ایجاد کنند. هر چند که دانشجویان مقیم خارج از کشور و دانشجویانی که جهت ادامه ی تحصیل به خارج از کشور رفته اند نیز در تکامل و تحکیم حرکت ملی آذربایجان جنوبی نقش چشمگیر داشته اند اما به دلیل نبود سازماندهی و مدیریت کافی نتوانسته اند در حد و اندازه های دانشجویان داخل کشور عمل کنند. جنبش دانشجویی آذربایجان در ادامه ی سیر تکاملی خود و حرکت ملی آذربایجان جنوبی نیاز به قدرت یافتن و مدیریت و سازماندهی در هر دو بخش داخلی و خارجی دارد. حرکت رو به

جلوی دانشجویان آذربایجانی خارج از کشور در سالهای اخیر و رشد و پیشرفت هر چه بیشتر آن در سالهای آینده اتفاقی است که در آینده روی خواهد داد. در واقع وجود جنبش دانشجویی آذربایجان در دو بخش و دو محیط متفاوت و درعین حال پیوستگی فکری و عملی آن چیزی است که در آینده به طور قطع شاهد آن خواهیم بود.

چنانچه در یادداشت های پیشین نیز ذکر شده بود ، مدیریت و سازماندهی هر چه بیشتر دانشجویان خارج از کشور تنها از عهده ی خود آنان بر خواهد آمد . ایجاد سایت یا سایتهای مخصوص دانشجویان خارج از کشور، انتشار نشریه ، برگزاری جلسات و انجمن های مختلف به مناسبت های مختلف و ... کارهایی است که دانشجویان آذربایجانی خارج از کشور با انجام آنها می توانند به ایفای نقش مثبت و سازنده ی خود بپردازند. تشکیل و راه اندازی سازمانی متشکل از دانشجویان فعال خارج از کشور در ابتدا می تواند با حرکت چند نفر و راه اندازی یک سایت خاص انجام شود ، پس از آن میتوان با در پیش گرفتن یک سیاست میانه و معتدل علاوه بر جذب و سازماندهی دانشجویان خارج از کشور به مسایل مختلف معیشتی و ... آنان نیز پرداخت و در نهایت با ایجاد رابطه ی فکر و عملی سازنده و هماهنگ با دانشجویان آذربایجانی داخل کشور به رشد و تکامل هر چه بیشتر حرکت ملی آذربایجان جنوبی کمک نمود.

مسئله ی دیگر در سیر تکامل حرکت ملی آذربایجان جنوبی که بر عهده ی جنبش دانشجویی آذربایجان می باشد ، کم کردن فاصله فکری و عملی نخبگان آذربایجان با توده ی مردم است. یکی از دلایل مهم موفقیت هر حرکت ملی و مردمی ، پرورش و رشد شعور و آگاهی مردم است. دانشجویان و فعالان حرکت ملی آذربایجان جنوبی که ما آنان را به عنوان نخبگان جامعه ی آذربایجان می شناسیم بایستی فاصله ی فکری و عملی خود را با توده ی مردم به حداقل برسانند. رسیدن به این مقصود میتواند با ارتباط مداوم و پیوسته ی دانشجویان با توده مردم آذربایجان و بالا بردن سطح فکر و شعور آنان عملی شود. جنبش دانشجویی آذربایجان بایستی از دست توده ی مردم گرفته و در رشد فکری و فرهنگی و سیاسی مردم بکوشد ، در یک جمله بایستی کاری کرد که حرکت ملی آذربایجان جنوبی وارد زندگی توده مردم شود.